

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الظاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

این بحث تعویض که آمد و پیش آمد حالا تمام شد یعنی به حسب این مقدمات و این مقدار کار عرض کنم که برگردیم به بحث خودمان عرض کردیم در این تقسیم بندی که شد برای مصادر اولیه و متوسطه و مصادر متاخر گفتیم در مصادر متوسط یک مقدار بحث داشتیم یک مقدار اشکالاتی داریم من جمله از اشکالات این است که بعضی از کتب را و یا نوشتارها را نمی دانیم جزو اولیه قرار بدهیم که مثال بارزش همین کتاب علاء بن رزین است البته هست کتاب های دیگر حالا ما فعلا چون می خواهیم نمونه فقط ذکر بکنیم .

چون علاء بن رزین ظاهرا راوی کتاب محمد بن مسلم هست خودش هم کتاب دارد و ظاهرا از این تعبیر تفقه علی ید محمد بن مسلم اصولا کتابش هم اگر گاهی از محمد بن مسلم نقل می کند شاید از تقریرات ایشان است شاید هم گاهی از کتاب ایشان است ، گاهی هم از مطالب علمی است که ایشان در مراحل تفقه گفته است مثلا انی سمعت جعفر بن محمد یقول سمعت محمد بن علی سلام الله علیه یقول شاید این طوری بوده است .

به هر حال از یک جهت که راوی کتاب است به حساب محمد بن مسلم است می شود طبقه ی متوسط از یک جهت که خودش تالیف کرده می شود اول مصدر اول . البته من مثال حالا در این کتاب صدوق و کتاب های دیگر اختصاص به صدوق ندارد الان برای صدوق را بیاورید مشیخه وقتی طریقتش را به محمد بن مسلم می نویسد یک جور است طریقتش را به علاء می نویسد با اینکه ظاهرا علاء راوی کتاب ایشان هم باشد و این را ما داریم یعنی مشکل در روایت هست که نمی دانیم واقعا این از کتاب علاء است یا کتاب خود علاء بن رزین است یا از کتاب محمد بن مسلم است .

و این تاثیر گذار است انصافا خیلی نکته ی مهمی است چون ان شاء الله تعالی من امشب به اذن الله تعالی متعرض این قسمت می شوم که به حساب ما اگر بخواهیم طبق همین تصویر مصادر را جمع آوری کنیم ، چون جمع آوری حدیث به اشکال مختلف شده است یکی از راه هایش همین است که به تبعات اولیه و ثانویه متوسطه و متاخره جمع آوری کنیم مثل کتاب علاء بن رزین را نمی دانیم در طبقه ی اول قرار بدهیم یا در طبقه ی وسطی و معتقد هستیم برای ، چون این مباحثی را که ما در فهرست مطرح می کنیم خوب آقایان برایشان تصویرش مشکل است اختلاف نسخ و اینها چطوری می شود خیلی مشکل است .

یکی از راه‌های بسیار خوب این کار این است که عملاً نشان بدهیم یعنی بهترین راهش این است که عملاً نشان داده بشود که مثلاً یک کتابی که مشهور است و معروف است چطور مثلاً یک نسخه‌ی روایتش در یک مصدريک جور است در یک مصدريک معتبر جور دیگری آمده است اینها را عملاً نشان بدهیم خیلی تاثیر گذار است .

این علاء بن رزین را بیاورید در ، و ما کان فیه عن این دو تا کتاب در مصادر اولیه به نظر من خیلی تاثیر گذارند یکی کتاب الحج معاویة بن عمار ان شاء الله اگر توفیق بشود من خیال می‌کنم آقای مختاری هم باشند ایشان هم چون در موسسه‌ی کتاب شناسی هم هستند طرحش ریخته بشود و جمع آوری بشود و مقارنه بشود خیلی خیلی تاثیر گذار است فوق العاده یکی کتاب الحج معاویة بن عمار است که بعضی از جهاتش هم امشب شاید توضیح بدهم یکی هم همین کتاب علاء بن رزین چون کتاب علاء بن رزین یک نسخه‌ای از آن هم در اختیار ما هست به اسم کتاب اصول ستة عشر یک مقدارش برای علاء است و از کتاب معاویة بن عمار هم یک توضیحی عرض می‌کنم در یک نسخه‌ای از کتاب همین کتاب فقه الرضا ظاهراً این کتاب معاویة بن عمار باشد و از عجایب این است که این قسمت را قسمتی را که در این کتاب فقه الرضا است چون با آن نوادر که گفتند که نوادر احمد و قسمت حدیثی بوده در چاپ آل البيت چاپ نکردند .

بعد کتاب نوادر را هم مرحوم آقای ابطحی چاپ کردند این قسمت را به عنوان اینکه دیگر چیز مستقلی است خیال کردند این قسمت‌ها را شاید چاپ نکرده است ، نتیجتاً این کتاب معاویة بن عمار که واقعاً یک مصدريک مهم چون روایت معاویة به روایت صفوان هم هست و خیلی آثار دارد یعنی واقعاً خیلی نکات ابهام تاریخی عجیبی را شاید بتواند نشان بدهد چون یک شرح مفصلی می‌خواهد و با این مختصری که من می‌گویم ، حتی مختصرش هم نمی‌تواند کفایت بکند و این را مرحوم بحار نقل می‌کند در بعضی از نسخ کتاب فقه الرضا ایشان به این عنوان نقل می‌کند ، لکن در همین نسخه‌ی مطبوع هست حالا ایشان چرا بعضی از نسخ گفته و مقداری اش را و همین را هم به تنظیم ابواب مرحوم حاجی نوری در مستدرک آورده است طبعاً آقای بروجردي هم به یک مناسبت‌هایی در جامع الاحادیث آوردند لکن از بس که تکه پاره‌اش کردند آن لطافت‌هایش را آن ظرافتش را آن حقیقت علمی کتاب این اگر چاپ بشود خیلی کارگشاست .

یکی از حضار: تا حالا چاپ نشده است ؟

آیت الله مددی: مستقلاً نه ، این مستقلاً چاپ نشده و کار می‌خواهد انصافاً عرض کردم چاپ شده به این معنا در بحار آمده است چاپ به این معنا ، بحار به مناسبتی در کتاب حج دارد که در بعضی از نسخ فقه رضوی این هست ، این را مستقلاً چاپ کرده است و طبیعتاً وسائل این را نیاورده است ، صاحب مستدرک هم تکه پاره‌هایش کرده به مناسبتی آورده است جامع الاحادیث هم اشاره‌ای دارد اما چیز نکرده یعنی درست و یک جا و ابهام‌های زیادی دارد یعنی این نوشته یک چیز عجیبی است یعنی قسمت‌هایی حتی از کلمات اهل سنت و

عمر و اینها هم دارد درش، نمی دانیم واقعا معاویه بن عمار در کتاب حبش اینها را داشته این چیزهای عجیب و غریب، می گویم آن خیلی عجیب و غریب آن اگر می خواهم خودم کتاب را بیاورم بخوانم برای شما نسخه ی بحار را و در نسخه ی چاپی سنگی عهد سابقش هست اما در این نسخه ی جدید نه در نوادر آورده مرحوم آقای ابطحی در نوادر نیاوردند چیز هم آقای به حساب آل البیت هم در این چاپ فقه الرضا نیاوردند.

علی ای حال آن حالا دیگر چون شرحی دارد نمی خواهم

یکی از حضار: آن طریقتش معتبر است به این کتاب؟

آیت الله مددی: نه طبعا نه به نحو وجاده است و اگر این باشد

چون ما یکی از مشکلات ما همیشه این را گفتیم روی مبانی فهرستی چون مصادر اولیه دست ما نیست نمی دانیم اینها را چطور برخورد کردند اصلا برخوردشان با حدیث چطوری بوده است این برای ما هنوز مشکل دارد وقتی مثلا می بینیم دو تا حدیث متعارض در کتاب حسین بن سعید است ایشان چه کار کرده با این دو تا حدیث متعارض این برای ما ابهام، این خودش و اصولا و لذا ما دنبال این بودیم که همیشه سعی کنیم از مصادر اولیه یک صفحه دو صفحه ی کامل همان طور که بوده پیدا بکنیم این خیلی یکی از اهمتومات ما در بحث فهرستی این بوده و این به نظر ما موثر بوده یعنی خیلی، مثلا ما از کتاب عمار ساباطی ما یک قسمتی را پیدا کردیم البته کتاب عمار ساباطی هم مثل اینکه علیرضا دارد یک مقدمه می نویسد نمی دانم می خواهد جمعش کند یا نه این آقای آقا زاده، اخوی زاده ی آقای سیستانی هم به من گفت من دارم جمع می کنم کتاب عمار ساباطی را گفتیم ان شاء الله من هم

این کتاب عمار ساباطی هم جمع بشود خیلی موثر است یعنی از مصادر اولیه من به نظرم این سه کتاب را ان شاء الله جمع آوری بشود یکی کتاب الحج معاویه بن عمار آن البته چون نسخ متعدد دارد یک شرحی از نسخش عرض می کنم و کتاب علاء بن رزین خیلی خیلی موثر است و کتاب و این در مصادر اولیه امشب چون بحث ما در مصادر متوسط بیشتر بحث روی مصادر متوسط می بریم لکن این ذهن من خود من الان اختیار من این است که کتاب علاء را در مصادر اولیه بیاوریم چون بالاخره یا علاء خودش نوشته و این کتاب محمد بن مسلم نیست حالا بر فرض هم از کتاب گرفته باشد نوشتار برای خود علاء بن رزین است و احتمالا درس های فقهی که از ایشان گرفته لابه لایش مثلا ایشان حدیثی نقل کرده است آنها را هم برداشته ایشان آورده است کتاب نیست به نظرم مجموعه ی نوشتاری خود مرحوم علاء بن رزین است بخوانید طریقتش را به علاء بن رزین

یکی از حضار: اول محمد بن مسلم را بخوانم.

آیت الله مددی : اول محمد بن مسلم

یکی از حضار : وما كان فيه عن محمد بن مسلم الثقفي وقد روите عن علي بن احمد بن عبد الله بن احمد بن ابي عبد الله

آیت الله مددی : این علی بن عبد الله خیلی مفصل عرض کردیم ایشان نوهی پسر پسر برقی است دقت می کنید ؟ بخوانید یک دفعه‌ی

دیگر علی بن عبد الله بن

یکی از حضار : علی بن احمد بن عبد الله بن احمد بن ابي عبد الله

آیت الله مددی : احمد بن عبد الله بن این عبد الله پسر برقی پسر است تا اینجا از نوهی نوه هم آن طرف تر است نوهی نوهی نوهی

احمد برقی این را البته نمی شناسیم صدوق رضوان الله تعالی علیه از ایشان نقل می کند لکن ایشان را ما به هیچ وجه نمی شناسیم این شخص

را فقط می دانیم از خاندان برقی هستند اینها

و اصولا من چند دفعه عرض کردم یک نکته‌ی کلی ما با مشایخ قم خیلی آشنا نیستیم این یک مشکل کلی داریم یعنی یک مشکل کلی

مثلا ما جیلویه بیت ما جیلویه خصوصیات همین بیت برقی ، خصوصیات بیت ، ما با اینها خیلی آشنا نیستیم اصولا مشایخ قم را نمی شناسیم

چون اطلاعات ما از قمی ها بیشتر به مقدار نجاشی است که از کتاب کسی کتاب دارد کسانی کتاب ندارند ، عالم بزرگی بوده اینها را درست

نمی شناسیم و شیخ طوسی هم ندارد متأسفانه در رجالش همان مقدار که رجال های قبلی بوده یا راوی بودند نقل کرده است اما شخصیت ها

یک کتابی هست این آقای چیز نوشته انوار المشعشین فی علماء قم این خوب است اما مصادر ما کم است کلا این اصلا باید دو مرتبه

این اصلا باید رویش کار مستقلی بشود ما یک مقدار با مشایخ قم آشنا بشویم اصلا مشایخ قم نمی شناسیم ، عرض کردم این تاریخ قم یک

فصلی دارد فصل شانزدهم در مشایخ قم است متأسفانه آن به ما نرسیده است حالا در یک قسمتی مربوط به سهمیه‌ی آب برای همین ورجان

است نوشته ورجانه ، ورجان و اطراف آن متأسفانه آن به ما رسیده که به درد ما نمی خورد که مثلا آب این اینقدر است آب آن دهات اینقدر

است سهم بندی و تقسیم بندی آب قم این هست حقآبه هایش این الان به ما رسیده است که به درد ما نمی خورد .

آن هم که به درد ما می خورد چون خودش می گوید این آقا را من در فصل شانزدهم در علماء مشایخ علما ذکر خواهم کرد این فصل

اصلا به ما نرسیده است شنیدم سماعا که از این کتاب یک نسخه‌ی کاملی در اصفهان هست اگر ان شاء الله پیدا بشود این خیلی می تواند

موثر باشد اگر چنین کتابی پیدا بشود تاریخ قم ، البته تاریخ قمی که الان به ما رسیده است اولاً خیلی کمش است بعد هم ترجمه‌ی فارسی اش

است ، تاریخ قم اساسا عربی است فارسی نیست شنیدم نسخه‌ی اصلی هست موجود است شنیدم ، عرض کردم شنیدم و بسیار کتاب

مفیدی است این تاریخ قم خیلی مفید است همین مقدارش که الان مانده است برای آشنایی ما با قم و به مناسبت های متعدد اماکن یعنی

افراد مختلفی را از خاندان اشاعره‌ی قم که خیلی تاثیر گذارند اشعری‌ها در قم خیلی تاثیر گذارند و جمع بکند انسان خیلی می‌تواند نسب نامه‌ی شجره‌نامه‌ی اشاعره‌ی قم را تنظیم بکند مثل کتاب عباس اقبال آشتیانی دارد اقبال است یا کیست آن یکی دیگر است خاندان نوبختی همان اقبال آشتیانی، بله این خاندان اشاعره‌ی قم خیلی تاثیر گذارند انصافا در این مرحله‌ی حدیث قم اینها خیلی تاثیر گذارند.

در مرحله‌ی تولید علم چون در کوفه نبودند تاثیر گذاری ندارند اما در مرحله‌ی دوم جمع آوری، تنظیم در مرحله‌ی تولید، تولید هم که اینها بیشتر دارند اگر داشته باشند برای توقعاتی که نسبت به ائمه علیهم السلام و اینها بوده یا جمع کردند چربی اثر نبوده است اما خودشان تولیدشان کم است چون اینها آمدنشان زمان حضرت سجاد است سال ۸۳ وارد قم شدند و تدریجا چون عرب بودند مکه رفتند ابتداء یک نفرشان شاید با امام باقر، دو سه نفرشان با امام صادق، دیگر تدریجا در قم اینها عنوانی پیدا می‌کنند و واقعا هم خاندان بزرگی هستند انصافا حقا یقال.

در این کتاب تاریخ قم به مناسبتی من یک وقتی خودم جمع کردم آدم تکه تکه جمع بکند می‌تواند خاندان اشاعره‌را یک شجره‌نامه‌ی اجمالی از شخصیت‌های اشاعره‌ای که در قم بودند جمع آوری کند مخصوصا بعضی هایشان که خیلی شخصیت علمی بزرگی بودند احمد بن محمد بن عیسی همین صاحب نوادر حکمه محمد بن احمد بن یحیی، احمد بن ادریس استاد مرحوم کلینی اینها اشعری هستند، ابو علی اشعری و واقعا شخصیت‌های بسیار بزرگی هستند در قم که از این خاندان سعد بن عبد الله اینها از این خاندان هستند و انصافا خیلی هم شخصیت‌های علمی هستند و خیلی هم تاثیر گذارند که حالا ان شاء الله در همین خلال بحث روشن بشود.

بله ایشان کتاب را از نوه‌ی نوه‌ی نوه‌ی برقی نقل می‌کنند که نمی‌شناسیم عن ابیه که او را هم نمی‌شناسیم، بفرمایید.

یکی از حضار: عن جده احمد بن ابی عبد الله البرقی عن

آیت الله مددی: این برقی پسر است معروف صاحب محاسن

یکی از حضار: عن ابیه محمد بن خالد عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم

آیت الله مددی: این یک نسخه‌ای از کتاب محمد بن مسلم بوده توسط علاء به قم رسیده و توسط محمد بن خالد برقی و از عجایب کار این است که این نسخه در خاندان برقی بوده صدوق هم به خاطر اینکه میراث خاندان است نقل کرده است هیچ کسی دیگری هم از این نسخه نقل نکرده است این هم جزو عجایب است این از آن نسخی است که هیچ کس از این نسخه نقل نکرده است الا همین خاندان برقی

که درست هم ما الان

علی ای حال غیر از ایشان هم نداریم یعنی صدوق از این خاندان نقل کرده است و متأسفانه منحصر به صدوق است یعنی قمی‌های دیگر مثل مرحوم حالا قبل از ایشان کلینی از این نسخه نقل نمی‌کنند و لذا مشهور هم شده که این نسخه ضعیف است اینکه می‌گویند طریق صدوق به محمد بن مسلم ضعیف است مرادشان این است ضعف طریقتش به خاطر انحصار نسخه به خاندان برقی است و این خاندان را ما نمی‌شناسیم یعنی بعد از احمد پسرش و بعد نوه‌اش ، نوهی نوه‌اش را و اینها را دیگر اصلاً نمی‌شناسیم بفرمایید .

یکی از حضار: خوب اینکه تمام شد .

آیت الله مددی: این نسخه‌ی از محمد بن مسلم در قم نزد ایشان بوده که البته صدوق بعضی از جاها دارد مثلاً روی یا روا محمد بن مسلم و زرارہ این هم روایت معروف به قصر این جوری است روی عن محمد بن مسلم و زرارہ آقایان علمای متاخر ما نوشتند طریقه الی محمد بن مسلم ضعیف و الی زرارہ صحیح چون حالا این به من گفت دائماً تعویض به نظرم شاید این هم یک نوع تعویض حساب بشود اینها را قبول نکردیم گفتیم بیخود است ظاهراً دو تائیشان با همدیگر یکی هستند حالا این را من چون به یک مناسبت دیگری می‌خواهم توضیح بدهم توضیحش باشد آنجا چون گاهی اسم‌ها دو تا هستند اما در حقیقت دو تا سند نیست یک سند واحد است تشخیص این هم احتیاج به یک تأمل دارد .

یعنی اینکه می‌گویند روی عن محمد بن مسلم و زرارہ این در حقیقت روایت واحده‌ای است که از محمد بن مسلم و زرارہ است و اینها باید یک شرح جداگانه داد بعضی‌هایش خصوصیات موردی است بعضی‌هایشان هم قاعده‌ی کلی دارد .

یکی از حضار: اینکه کجا دو تا سند می‌شود کجا یکی است می‌فرمایید .

آیت الله مددی: نه اینها دو تا سند نیستند یکی هستند یک سند است و این روایت چون البته خیلی با ارزش است اینکه من این علمت قصر واجب است فلیس علیکم جناح دارد در قرآن حضرت می‌فرمایند آیه‌ی مبارکه ان الصفا والمروة من شعائر الله مثل این آیه‌ی مبارکه این را از مشایخ فقط صدوق آورده است یعنی کلینی نیاورده است این روایت را نیاورده است شیخ طوسی هم نیاورده است با اینکه بعد از صدوق است و صدوق هم با عبارت روی عن محمد بن مسلم ، آقایان بعدی ما چون غالبشان فرق بین روا و روی نگذاشتند گفتند طریق ایشان به محمد بن مسلم ضعیف است لکن طریق ایشان به زرارہ صحیح است پس این مثلاً

یکی از حضار: دوباره همین را روایت کردند

آیت الله مددی: خیال کردند این روایت ، دو تا روایت را با همدیگر جمع کردند .

و ما توضیحات کافی عرض کردیم حالا دیگر حال شرحش را امشب ، اولاً عرض کردیم که روایت از کتاب حریز است اصلاً و حریز هم از این دو نفر نقل کرده است از زراره و محمد بن مسلم .

یکی از حضار: یعنی یک روایت را از

آیت الله مددی: ها از دو نفر نقل کرده است ، بعضی وقت ها از چهار نفر نقل می کند این صحیح فضلاء یگر ، صحیح فضلاء از چهار نفر ، پنج نفر است التقیة فی کل شیء یضطر فیہ ابن آدم و کل شیء اضطر فیہ ابن آدم فقد احل الله این روایت فضلاء از چهار ، پنج نفر از زراره و محمد بن مسلم و برید و اینها نقل کردند حالا به هر حال این یک اشتباهی پیش آمده است .

و این حدیث عرض کردیم در کتاب حریز موجود بوده لکن مشایخ قم مثل کلینی و بعد بغداد مثل شیخ طوسی این را قبول نکردند لکن این را مثلاً دعائم الاسلام قبول کرده است ما عرض کردیم اگر این کوفه را و بغداد را وسط ، میانه حساب بکنیم بروید طرف سوریه و مصر این غربی می شود ، بروید طرف خراسان و قم و تا برسد به سمرقند و کش این شرقی می شود ، در تفسیر عیاشی هم آمده است یعنی شرقی ها هم قبول کردند ، غربی ها هم قبول کردند وسط قبول نکرده است .

شیخ صدوق قبول کرده است و روی هم آورده چون استادش قبول نکرده است ابن الولید قبول نکرده است ابن الولید هم روایت را قبول نکرده است ایشان به صورت روی آورده است ، اصولاً این چون این روایت از معضلات فن است توضیح دادیم که این روایتی که صدوق آورده است سه بخش دارد بخش اولش همین است که از کجا می گوید در سفر واجب است قصر است با اینکه لا جناح دارد امام تمسک به آیهی مبارکه می کند .

سوال دومش این است که حالا اگر کسی در سفر اشتباهات تمام خواند سوال دومش این است در کتاب خود صدوق آمده همین حدیث دقت کردید ؟ سوال دومش این است که اگر در سفر اشتباهات تمام خواند چه کار باید بکند در آنجا دارد که ان قرئت علیه آیه التقصیر و فسرت له این جواب امام است که اگر آیهی تقصیر این بخش دوم حدیث .

یک بخش سوم هم دارد که اصولاً رسول الله که سفر رفتند یک عده ای افطار نکردند فسماهم عصاة این حدیث در کتاب صدوق سه بخش دارد دقت فرمودید هر سه را ایشان با یک سند آورده است . بعد دقت کردید ، دقت کنید تاریخ این را ، سه بخش دارد این روایت چون می گویم اصلاً اعلام فن ملتفت این نکته نشدند از عجایب کار این است که مرحوم صدوق هر سه قسمت را آورده است با یک سند و اینها توجه نکردند قسمت دوم که در سفر چه کار بکند اگر اشتباهات قصر را تمام خواند این را شیخ طوسی هم آورده است از همین حریز عن محمد بن مسلم از زراره .

یکی از حضار: یعنی تقطیع کرده روایت را؟

آیت الله مددی: آها قطعه‌ی اولش را نیاورده دوم را آورده است، دقت کردید چه می‌خواهم بگویم، قطعه‌ی دوم را آورده است، کلینی نیاورده چون کلینی قائل نبوده به این مطلب، این را ما توضیح کافی عرض کردیم.

یکی از حضار: کتاب را داشته و در اختیارش بوده و نیاورده است.

آیت الله مددی: قبول نکرده است، چرا چون عرض کردم کلینی یک روایت دیگری می‌آورد که اگر در سفر نماز را تمام خواند چه کار بکند معروف الان بین علما همین است و این را شیخ جمع کرده که اگر جاهل باشد نمازش درست است، این را شیخ طوسی آورده و صدوق کلینی نیاورده است، یک روایت دیگری است که سوال می‌کند می‌گوید اگر وقت باقی است نمازش را بخواند عالم و جاهل فرق نمی‌گذارد اگر خارج از وقت نخواند کلینی این را نقل کرده است روشن شد؟ شیخ طوسی چه کار کرده هم این را نقل کرده که اگر خارج از وقت است نخواند، داخل وقت هم بین علم و جهل فرق گذاشته است، دقت کردید؟

این کارها تا نشود روشن نمی‌شود این چه کار شده است، صدوق هم آن یکی را نقل نکرده است خارج از وقت و داخل وقت را، نمی‌دانم ملتفت شدید چه می‌گویم؟

یکی از حضار: بله شیخ همان را که فتوا نداشته در حقیقت نقل نکرده است.

آیت الله مددی: نقل نکرده است بله.

قسمت سوم که ان رسول الله سماهم عصاة کلینی هم نقل کرده است، از همین زرارة عن محمد بن مسلم، آقایان چون مقارنه نکردند بحث نکردند اما آن قسمت دوم را می‌خواهید بیاورید.

یکی از حضار: و شما در مقارنه می‌گویید همه‌ی اینها یک روایت است.

آیت الله مددی: یک روایت است، قطعاً کتاب حریز است واضح است.

یکی از حضار: اینکه می‌فرمایید علت تعبیر به روی این است که ابن الولید قبول نکرده از این جهت شیخ صدوق تعبیر کرده موارد مشابه دیگری هم دارد که علتش همین باشد؟

آیت الله مددی: بسیار، بسیار، تصادفا صدوق در صلاة قصر می‌گوید قصر فی قصر در صلاة خوف، چون یک رأی هم این بوده که این آیه‌ی مبارکه قصر فی قصر اصلا خود آیه را از ابن عباس و اینها نقل شده است می‌گویند این آیه لیس علیکم جناح ان تقصروا فی الصلاة

این وقتی نازل شده است که ، ادعای می کنند مثلاً ممکن است ادعا بشود حالا ادعا کردند این طور نیست البته که نماز دو رکعتی بوده چون اصل نماز دو رکعتی بوده است .

یکی از حضار: هنوز رسول الله دو رکعت را اضافه نکرده بودند

آیت الله مددی: آها تا شعبان سال دوم هجرت تا ماه رمضان در اهل سنت از عمر و عایشه نقل شده که کانت الصلاة رکعتین رکعتین لکن تاریخ نزدند ، اما در روایت شیعه تاریخ زدند ۱۵ رمضان ، پیامبر به مناسبت ولادت امام مجتبی ، به عیدی امام مجتبی این را اضافه کردند دو رکعت به نماز این البته در طریقت غلات هست انصافاً خیلی طریقت سلیمی ندارد بله آقا ؟

یکی از حضار: ای کاش می خواست عیدی بدهد این دو رکعت هم حذف می کردند .

یکی از حضار: از آن جهت که می گویند ماه مبارک ضیافت خداست

آیت الله مددی: علی ای حال ، آوردید آن را ؟ این قرئت علیه آیه التقصیر

یکی از حضار: بله از خود چیز آوردم از تقریری که فرمودید آوردم .

آیت الله مددی: از کجا نقل می کند ؟

یکی از حضار: روایت ۱۲۶۵ روی عن زرارة و محمد بن مسلم انهما قالوا قلنا لابی جعفر

آیت الله مددی: نه در فقیه آوردید اینکه

یکی از حضار: فقیه را عرض کردم .

آیت الله مددی: نه تهذیب بیاورید ، تهذیب اذا قرئت علیه آیه التقصیر وفسرت در این قسمت دوم

یکی از حضار: تهذیب روایت

آیت الله مددی: احتمال دارد از حسین بن سعید نقل کرده باشد .

یکی از حضار: عن محمد بن علی بن محبوب است جلد ۳

آیت الله مددی: کتاب شاذی است به هر حال چون مرحوم کلینی هم نقل نکردند دقت کردید چقدر حواسشان جمع بوده یعنی مرحوم

صدوق که نقل کرده مرحوم ، و ابراهیم بن هاشم نقل می کند دیگر نقل نکرده است بله بخوانید ، جلد ۳ ؟

یکی از حضار: محمد بن علی روایت ۵۷۱ شماره آخرش ، محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد

آیت الله مددی: عن حماد بن عیسی

یکی از حضار: عن ابن نجران عن حماد بن عیسی عن حریر

آیت الله مددی: ابن نجران نه ابن ابی نجران

یکی از حضار: ابن ابی نجران عن حماد بن عیسی عن حریر عن زرارۃ

آیت الله مددی: واضح است حریر عن زرارۃ، اینها خیال کردند این دو تا سند است اینجا روی عن زرارۃ و محمد بن مسلم که صدوق گفته است، آن وقت می خواهید برای کلینی هم بیاورید فسامهم رسول الله عصاة، عصاة کلمه ی عصاة، ان قوما افطروا، صاموا فی السفر فسامهم رسول الله این هم کلینی دارد یعنی خیلی عجیب است یک حدیث واحد در کتاب حریر بوده صدوق هر سه قسمتش را آورده است مرحوم شیخ طوسی دو قسمتش را آورده است، کلینی فقط آخرش را آورده است.

حالا چرا چون کلینی عقیده اش این است که این آیه ی مبارکه در خوف است کلینی این آیه ی مبارکه را در صلاة خوف آورده است نه در صلاة مسافر.

یکی از حضار: برای صوم مسافر است.

آیت الله مددی: بله صوم و صلاة است هر دو افطروا واقصروا

یکی از حضار: بله و دو تا روایت است یکی اینکه ابو علی الاشعری عن محمد بن عبد الجبار

آیت الله مددی: عن صفوان بعدش است

یکی از حضار: عن صفوان عن عیسی بن القاسم عن ابی عبد الله علیه السلام

آیت الله مددی: نه این ربطی به آن ندارد.

یکی از حضار: بعد سمی اناس فسامهم عصاة

آیت الله مددی: نه این ربطی ندارد.

یکی از حضار: بعد آن که شما می خواهید برای حریر باشد، علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد عن حریر

آیت الله مددی: همین سند معروف است ببینید دقت کنید، همین سند معروف است در صورتی که شیخ طوسی در این سند معروف هم ندیده است رفته روی کتاب محمد بن علی بن محبوب، صدوق احتمال دارد، اما اینکه صدوق از کجا شما می فرمایید از کجا این مطلب چون صدوق این را نقل می کند ما الان آن روایت را نداریم بیاورید این قصر فی قصر را بیاورید می گوید و کان شیخنا ابن الولید یقول ان هذه السفر قصر فی قصر و کان یرویه من کتاب حریر اینجا این جور دارد.

.....
حالا تصادفا اینکه شیخ ابن الولید نقل کرده هیچ کس نقل نکرده است از کتاب حریر

یکی از حضار: آن وقت قصر فی قصر یعنی اصل دو رکعتی بود باز آیه که نازل شد

آیت الله مددی: آها آیه که نازل شد قصر شد، قصر فی قصر این نسبت به ابن عباس هم داده شده که یک رکعت می شود

یکی از حضار: اینکه دیگران نقل نکردند چون خلاف

آیت الله مددی: ها خلاف است قبول نکردند

یکی از حضار: پس این جور استفاده می کنیم که مشایخ ثلاثه روایات به دستشان می رسیده با اجتهاد خودشان ترتیب را

آیت الله مددی: طبعاً همین طور بوده اصولاً یکی این نکته را امشب می خواستیم عرض بکنیم اصولاً مصادر متوسطه یکی از کارهایشان

همین است اصلاً چون روایاتی که در مصادر اولیه بوده خیلی پراکنده بوده در کوفه خیلی پراکنده بوده یک مقدار اینها جمع و جور کردند،

جمع و جور بهترش مصادر متاخر است که کتب اربعه باشد.

یکی از حضار: این چون نظرشان خلاف این حدیث است

آیت الله مددی: و این اختصاص به ما نداشته

یکی از حضار: یا تقیتا بوده

آیت الله مددی: نه، حالا نکته اش چه بوده

یکی از حضار: اینکه نقل نکردند

آیت الله مددی: چون معارض بوده به خاطر معارض نقل نکردند، دقت کردید؟ این اهل سنت کاملاً متعارف بوده کاملاً متعارف بوده

است مثلاً نقل کردند احمد بن حنبل از دو هزار شیخ حدیث نقل کرده یک میلیون و هفتصد هزار حدیث نقل کرده است این کتاب مسندی

که الان دارد ۲۹ هزار و خورده ای است از یک میلیون و هفتصد، ۲۹ هزار و خورده ای بله آقا؟

یکی از حضار: اینکه مسائل می گویند

آیت الله مددی: بله مسائل با مکرراتش ۳۵ هزار و خورده ای است مکررات زیاد دارد با مکرراتش ۳۵ هزار و خورده ای است.

خود کافی به تنهایی نزدیک ۱۷ هزار است، ۱۶ هزار و خورده ای است نزدیک ۱۷ هزار تا است، ۱۶۷۰۰ است یعنی کافی به تنهایی

از آن سه کتاب بیشتر است، و کافی به تنهایی از صحاح سته بیشتر است، کافی به تنهایی از صحاح سته بیشتر است عددش از صحاح سته

بیشتر است طبیعی هم هست چون از امام باقر و امام صادق و ائمه ی بعد است اینها همه عن رسول الله است.

یکی از حضار: در صحاح سته می گویم مکرر هم هست ؟

آیت الله مددی: خود بخاری ۷ هزار تاست حدیث ، ۷ هزار و خورده ای با حذف مکرراتش ۴ هزار تاست ، ۳ هزار تا را مکرر دارد ، خود بخاری هم مکرر دارد .

یکی از حضار: هیکل کتاب بزرگ شده است .

آیت الله مددی: بله هیکل ، یعنی ابواب مختلف قسمت هایی را آورده است لکن چون بخاری واقعا در نزد آنها حالا امام فی الحدیث خیلی تفنن به کار برده است مثلا یک قسمتش را با یک سند یک قسمتش را با یک سند همان حدیث است یک قسمتش با یک سند و لذا گاهی بین سند و بین متونش هم اختلاف مائی وجود دارد تمام اینها را بخاری با دقت مراعات کرده است هر حدیثی که نقل می کرد دو رکعت نماز می خواند اینطور نقل می کنند راست است یا دروغ است برای شکر نعمت .

علی ای حال کتاب کافی ما به تنهایی از صحاح ست بیشتر روایت دارد ، از آن سه کتاب دیگر هم بیشتر روایت دارد اما خود وسائل با مکررات چون دارد عددی که الان زده شده ۳۵ هزار و خورده ای به نظرم ، آخر جلد ۳۰ را نگاه کنید ۲۹ برای آل البیت ۳۵ هزار و خورده ای است به نظرم ۳۵ هزار و خورده ای است .

ببینید این علی بن ، خیلی عجیب است ها درست همان کتاب مشهور است صدوق هم نقل کرده است کاملا واضح است که این حدیث عجیب است که قسمت دومش هم باز هم در این کتاب نبوده است و الا شیخ طوسی از اینجا نقل می کرد از کتاب محمد بن علی بن محبوب نقل نمی کند که خودش شاذ بوده است . این مقارنه چون نشده این عدم مقارنه خیال می کنند مثلا این ، نه نوشتند طریقه الی محمد بن مسلم ضعیف و طریق الی زرارة صحیح نوشتند چاپ شده دیگر حالا اسم نمی خواهم ببرم مصادرا نمی خواهم اسم ببرم ، این طور نیست اصلا چنین مطلبی نیست اینجا زرار و محمد بن مسلم با هم هستند حالا حدیث عجیب است در غرب قبول شده مصر دعائم الاسلام قبولش کرده عیاشی هم قبولش کرده است ، شیخ صدوق هم قبول کرده است .

و لذا عرض کردیم جاهایی که روی است ما چند تا احتمال دادیم یکی از احتمالات خیلی مهمش همین است مشایخ قبول نکردند خود صدوق قبول داشته است ، اینکه الان بعضی وقت ها می گویند روی علامت ضعف است یعنی صدوق می خواهد بگوید حدیث ضعیف است این خلاف ظاهر است چون در دیباچه می گوید تمام این روایت را من خودم به آن افتاء می دهم افتی بها با دیباچه نمی سازد ، نکته ی فنی این است که تفنن در عبارت که نقل کردیم از آن آقا آن هم خیلی عجیب است روا و روی یکی باشد خیلی عجیب است .

آن نکته ای را که ما با تتبع به آن رسیدیم روی جهات مختلف یک نکته ی خیلی مهمش این است که مشایخ قبول نکردند خصوصاً ابن الولید اما خودش قبول داشته است ، خود شخصش قبول داشته است ، لذا این جا آورده به صیغه ی روی تا اشعار به این جهت داشته باشد که این مورد قبول خودم است آنجا هم دارد قصر فی قصر می گوید و کان یرویه شیخنا ابن الولید من کتاب حریر الان اصلاً این روایت را ما نداریم کلاً نداریم ، این قصر فی قصر را ما الان نداریم . اینکه گفتیم ابن الولید این را قبول نکرده سرش این بود یعنی شیخ صدوق می خواهد بگوید ابن الولید آن نسخه ی حریر را قبول کرده است ، من نه معتقدم همین نسخه ی حریر درست است و توجه نکردند که صدوق وقتی حدیث را نقل می کند آن حدیث این سه تا قسمت دارد هر سه را پشت سر هم آورده است ، صدوق پشت سر هم آورده است .

شیخ طوسی دوم و سوم را پشت سر هم آورده است شیخ کلینی هم آخرش را آورده است و آخری هم از همان نسخه ی مشهور آورده است علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد عن حریر عن زرارة و محمد بن مسلم دقت کردید ؟ این مقارنه کردن خیلی می تواند کار را به حساب روشن کند .

به هر حال اینکه طریق ایشان به کتاب علاء ، آن وقت کتاب علاء این طریق به کتاب نسخه ای از محمد بن مسلم ، اینکه شهرت پیدا کرده طریق صدوق با اینکه کتاب محمد بن مسلم یعنی خود محمد بن مسلم شخصیت معروفی است ضعیف است سر ضعفش این است ، روشن شد ؟ این را خاندان برقی میراث های خاندان است صدوق اعتماد کرده نقل کرده است قمی ها کلاً نقل نکردند غیر قمی ها هم نقل نکردند یعنی کلینی از این طریق اصلاً حدیث نقل نکرده است .

یکی از حضار: صدوق خودش قمی حساب می شود .

آیت الله مددی: می دانم صدوق یک مقداری البته الان در زمان ما هم این قابل قبول است خاندان های علمی خوب حساب برایش بار می کنند عرض کردم حجیت یک مقدارش ریشه ی عقلایی هم دارد این طور نیست که خیلی پرت و پلا باشد بالاخره این می گوید از پدرم شنیدم آن هم از پدرش آن از پدرش از برقی شنیده از کوفه آورده است خوب طبیعی است .

یکی از حضار: ادله ی حجیتش هم اصلش آخوند هم همان بنای عقلاء را می پذیرد

آیت الله مددی: بله می گویم بنای عقلاء اجمالاً اینجا هست الان مثلاً خاندان فیض در کاشان ایشان می گویند آقا ایشان از نوه های فیض است این از پدرش ، پدرش از جدش نقل کرده است ، ممکن است چاپ هم نشده باشد جای دیگری هم نباشد این ، حالا به دقت شاید نه آنهایی که خیلی دقیق هستند شاید مناقشه بکنند اما اجمالاً قابل قبول است من نمی خواهم بگویم دقیقاً قبول می شود یا نه اجمالاً قابل قبول است اما این یکی قبول نشده است این کتاب نسخه ی محمد بن مسلم

یکی از حضار: عبارت را پیدا نمی‌کنم برای کتاب حرز

آیت الله مددی: و کان شیخنا ابن الولید یقول ان هذه قصر فی قصر کلمه ی قصر فی قصر

یکی از حضار: کلمه ی قصر فی قصر را نزدیک ؟

یکی از حضار: زدم پیدا نکرد .

آیت الله مددی: حالا بعد پیدا کنید ، نه اینکه دارد مسلم دارد در خود فقیه است بله در عبارت فقیه است . و کان یرویه من کتاب حرز و کان یرویه شیخنا ابن الولید من کتاب حرز ، قصر فی قصر که دارد ، قصر فی قصر در کتب اهل سنت هست در تفسیر قرطبی هست دیگر به ابن عباس نسبت داده شده است قصر فی قصر است ، قصر فی قصر را دارند به ابن عباس نسبت داده شده است . تازگی ندارد یعنی چیز جدیدی نیست در فقه ما اما ما الان سند به آن نداریم ، صدوق از استادش ابن الولید نقل می‌کند و کان شیخنا ابن الولید یقول و هذا قصر فی قصر این قصر فی قصر اشاره ی به این است .

پس معلوم می‌شود مرحوم ابن الولید خلافا للصدوق که آیه را به سفر زده است و خلافا للکلینی که آیه را به خوف زده است آیه را زده به سفر لکن قصر فی قصر به خوف زده لکن قصر فی قصر گرفته است یک رکعت می‌شود چهار رکعت می‌شود ، یک قصر اولی دارد دو رکعت می‌شود بعد قصر ثانوی دارد یک رکعت ، حالا شاید نگاه کنید .

خوب طریق مرحوم صدوق را به کتاب علاء هم بیاورید ، این راجع به طریق صدوق راجع به کتاب محمد بن مسلم بود ، طریق صدوق را به کتاب علاء بیاورید . حالا آن بعد پیدا می‌کنید مشیخه بیاورید علاء ، این کتاب علاء بسیار کتاب معروفی است حالا این نسخه نسخه ای است که یک کمی اشکال دارد حالا یکی دو تا بستر دیگر

یکی از حضار: در مشیخه و ما کان فیه عن علاء بن رزین وقد رویت عن ابی و محمد بن الحسن رضی الله عنهما

آیت الله مددی: این ابن الولید است محمد بن الحسن عند الاطلاق ابن الولید است .

یکی از حضار: عن سعد بن عبد الله و الحمیری جمیعا عن احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن خالد عن العلاء

آیت الله مددی: این محمد بن خالد عن العلاء انحصار دارد اما احمد بن محمد بن عیسی هم نقل می‌کند این یکی .

یکی از حضار: وقد رویته عن ابی و محمد بن الحسن رضی الله عنهما

آیت الله مددی: ابن الولید

یکی از حضار: عن سعد بن عبد الله و الحمیری جمیعا عن محمد بن عبد السلطان عن

آیت الله مددی: محمد بن ابی الصهبان همان محمد بن عبد الجبار است

یکی از حضار: عن صفوان بن یحیی عن العلاء

آیت الله مددی: این نسخه‌ی صفوان هم مشهور است اصلاً نسخه‌ی صفوان عن علاء خیلی مشهور است بفرمایید این نسخه‌ی دوم.

یکی از حضار: و رویته عن ابی رضی الله عنه عن علی بن سلیمان الزراری الکوفی

آیت الله مددی: به نظرم این دایی، عموی پدر ابو غالب زراری

یکی از حضار: عن محمد بن خالد عن علاء بن رزین

آیت الله مددی: این هم نسخه برمی گردد به محمد بن خالد که عرض کردم قمی‌ها از او نقل نکردند این معلوم می شود یک سندی

ایشان از راه زراری داشته به او و الا قمی‌ها نقل نکردند این بغدادی است ایشان عن محمد بن خالد عن العلاء، یعنی هم به طریق کتاب

علاء هم به طریق محمد بن مسلم یک نسخه‌ای محمد بن خالد برقی داشته است.

آن وقت بیاید کتاب نجاشی را هم بیاورید

یکی از حضار: همین علاء را؟

آیت الله مددی: علاء را کتاب نجاشی و فهرست شیخ، فهرست شیخ بیاورید. علاء بن رزین قلاء، قلاء خودش قلو به معنای سرخ

کردن چیزی را سرخ کردن مثل بادمجان قلو می گویند ایشان چون حلوا درست می کردند کان یقلی السویق، سویق یعنی حلوا، حلوا فروش

بوده مثل حلوا ارده‌های ما،

یکی از حضار: مقلی هم؟

آیت الله مددی: ها مقلی یعنی سرخ کردن

یکی از حضار: بله در فهرست شیخ مدخل ۵۰۰ العلاء بن رزین القلاء جلیل القدر ثقة له کتاب و هو اربع نسخ

آیت الله مددی: البته ما عرض کردیم نسخش فعلاً بیشتر از چهار تاست چهار تا را شیخ داشته، شیخ چهار تا طریق دارد به این کتاب

الان مرحوم صدوق هم حدود ۳ تا یا ۴ تا طریق داشت، شیخ هم ۴ تا طریق دارد بخوانید. لکن یک مشکل کلی شان همان است مقارنه‌ی

این نسخ نکردند همان اشکالی که دیشب عرض کردم مشکل کار این است.

یکی از حضار: فرمودند منها رواية حسن بن محبوب، اخبرنا ابو عبد الله عن محمد بن علی

آیت الله مددی: ابو عبد الله عرض کردم مرحوم شیخ مفید است،

یکی از حضار: عن محمد بن علی بن الحسین

آیت الله مددی: صدوق پسر است ، مرحوم صدوق ، این درست هم هست صدوق آورده است این حلقه‌ی ربط بین بغداد و قم است مفید بغداد است صدوق قمی است آمده بغداد نقل کرده است ، بله ، محمد بن علی مرحوم صدوق ابی جعفر

یکی از حضار: عن ایبه

آیت الله مددی: صدوق پدر

یکی از حضار: و محمد بن الحسن

آیت الله مددی: ابن الولید

یکی از حضار: عن سعد بن عبد الله عن احمد و عبد الله ابنی محمد بن عیسی

آیت الله مددی: این در خود فقیه نیامده دو تا برادر هستند دیگر احمد بن محمد بن عیسی و عبد الله بن محمد بن عیسی ، البته احمد جزو اجلاء است عبد الله توثیق نشده است اما به نظر من قابل اعتماد است می شود رویش حساب کرد .
یکی از حضار: سعد بن عبد الله مشکل است .

آیت الله مددی: سعد پسر او نیست ، نه خیر . آن هم اشعری است سعد بن عبد الله بن ابی خلف اصلاً غیر از آن است ، این عبد الله برادر احمد است عبد الله بن محمد بن عیسی اشعری ایشان توثیق ندارد ایشان یکی از حلقه‌های ربط بین عراق و قم است شأن ایشان خودش تالیف شاید نداشته باشد میراث‌های عراق را و کوفه را به قم آورده است یکی از کسانی که آورده اما توثیق روشنی ندارد اما به نظر ما قابل اعتماد است و التفصیل در ابحاث رجالی و فهرستی بفرمایید .

یکی از حضار: بله و احمد بن ابی عبد الله البرقی و یعقوب بن یزید و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب والهیشم بن ابی المسروق

عن الحسن

آیت الله مددی: حسن بن محبوب

یکی از حضار: عن الحسن بن محبوب عن العلاء

آیت الله مددی: این خیلی نسخه‌ی خوبی است ، این نسخه‌ی بسیار خوبی است بعد بفرمایید ، اینها یکی یکی شرح هم دارد هر کدام

حالا دیگر چون حال نداریم نسخه‌ی اولی ، نسخه‌ی دوم .

یکی از حضار: بله و منها رواة محمد بن خالد الطیالسی

آیت الله مددی: ایشان هم جزو مشایخ است و قابل اعتماد است هم خودش و هم پسرش عبد الله بن محمد الخالد

یکی از حضار: ببخشید من یک کمی تأمل می‌کنم چون چاپ آقا عزیز یک مقدار عبارتش تفاوت دارد با آن چاپ آل البيت، خبرنا

ابن ابی جید عن محمد بن الحسن بن ولید

آیت الله مددی: ابن الولید بله

یکی از حضار: این را چیز همان چاپ آقای قیومی همین طور صاف آمده که عن ابن الولید اما مرحوم آقا عزیز فرمودند که محمد بن

الحسن بن ولید در حاشیه آمده اضافه شده است یعنی در نسخه‌ی دیگری اضافه شده عن محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن خالد

الطیالسی

آیت الله مددی: محمد بن خالد بن عبد الله الطیالسی بله.

یکی از حضار: و منها

آیت الله مددی: اما این باید یک کمی چیز داشته باشد مشکل داشته باشد، سندش یعنی طبقه‌اش مقداری فاصله دارد بعدش، طریق

صفوان هم دارد بعدش

یکی از حضار: بله، الان طریق همین باز یکی دیگر هم برایش دارد و خبرنا به الحسین بن عبید الله

آیت الله مددی: ابن غضائری پدر استاد ایشان

یکی از حضار: نسخه دارد حسن بن عبید عن ابن بابویه عن ابیه عن علی بن سلیمان الزراری الکوفی عن محمد بن الخالد عن العلاء

بن رزین

آیت الله مددی: این همانی است که در کتاب مشیخه هم آمده بود بفرمایید.

یکی از حضار: و منها روایة محمد بن ابی الصبهان

آیت الله مددی: این محمد بن عبد الجبار است از بزرگان قم است ایشان راوی کتاب صفوان است اگر بیاید بعدش صفوان است غالبا

یکی از حضار: خبرنا به ابن ابی جید عن ابن الولید عن سعد والحمیری عن محمد بن ابی الصبهان عن صفوان عنهم

آیت الله مددی: این نسخه‌ی بسیار خوب همین نسخه‌ی صفوان است اما ما الان روایاتی که از علاء داریم خیلی بیشتر از این ۴ تایی

است که ایشان گفته است.

یکی از حضار: یکی دیگر هم ببخشید هست و منها رواية الحسن بن علی بن فضال اخبرنا ابن ابی جید عن ابن الولید عن سعد و الحمیری عن احمد بن محمد عن الحسن

آیت الله مددی: این احمد بن محمد اشعری است، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، ایشان شاگرد ابن فضال است، ابن فضال هم در اینجا مراد پدر است الحسن است الحسن بن علی بن فضال بفرماید.

یکی از حضار: عن حسن بن علی بن فضال عن العلاء و قال ابن بطة العلاء بن رزین اکثر رواية من صفوان بن یحیی آیت الله مددی: خیلی می گویم یکی از نشانه هایش این است که کتابش تا حالا، اگر این را ما الان استخراج بکنیم یعنی جمع بکنیم خیلی، حالا شما تشریف نداشتید من اول وقت گفتم آقای مختاری تشریف ندارند این مثلا نسخ روایات علاء را جمع بکنیم هم اختلاف زیاد است یعنی عجیب است یعنی یک روایت واحده با یک سند یک جور آمده با یک سند دو سطر آمده با یک سند چهار سطر آمده است حذف شده است، حذف و اصلاح دارد.

و در طول تاریخ خیلی یعنی بهترین راه برای شناخت مباحث فهرستی ارائه ی کتاب به صورت علمی، این را اگر بشود از نسخ مختلف استخراج بشود علاء بن رزین مثل ستون بندی، نسخه ی صفوان، آن وقت نسخه ی صفوان در کتاب کافی در کتاب فقیه نسخه ی صفوان اینها را یکی یکی جدا بکنیم و مقابله بنویسیم آن وقت متون را با هم مقابل هم بنویسیم اختلاف متون خیلی واضح می شود یک متن در یک نسخه هست در یک نسخه نیست در یک متنی در یک نسخه دو سطر است در یک نسخه سه سطر است در یک نسخه تمسک به آیه شده در یک نسخه نشده الی آخره خیلی این کتاب علاء و کتاب الحج معاویه بن عمار الان استخراجش نسبتا آسان است چون الان مصادر فراوانش در اختیار ما هست نسبتا می توانیم با مصادر فراوانش مقابله بکنیم و استخراج بکنیم. این راجع به کتاب علاء

یکی از حضار: البته چیز عن متفاوت است بخوانم؟

آیت الله مددی: بخوانید نجاشی

یکی از حضار: بله،

آیت الله مددی: نجاشی تصادفا خیلی عجیب است نجاشی اینجا طرق زیادی ندارد یکی بیشتر ندارد، خیلی عجیب است.

یکی از حضار: از آن چهار طریق یکی

آیت الله مددی: از این ۵ تا، یعنی نجاشی به خلاف قاعده اینجا شیخ بیش از نجاشی نوشته این خیلی خلاف قاعده شده است عادتاً

نجاشی مفصل تر می نویسد اینجا به عکس شده است بفرماید.

یکی از حضار: مدخل ۸۱۱ علاء بن رزین القلاء ، دیگر حالا ترجمه اش را گفته صحب محمد بن مسلم و فقه علی یده

آیت الله مددی : تفقه علی ید محمد بن مسلم

یکی از حضار: و کان ثقتا وجهها له کتب یرویهها جماعة اخبرنا جماعة

آیت الله مددی : الان هم ما جماعت داریم همین الان هم این کتاب ایشان همان طور که ایشان گفت جماعت داریم همین الان هم

جماعت داریم بفرمایید .

یکی از حضار: جماعة عن الحسن بن فضال

آیت الله مددی : عرض کردم جماعت اصطلاح ایشان در اینجا مفید و ابن غضائری پدر و ابن حاشر احمد بن عبد الواحد ، ابن عبدون

به حساب ، عن حسن بن حمزه این همان سید مرعشی است این حلقه ی ربط بین بغداد و قم است حلقه ی ربط ایشان است ، اصلش در

ایران بوده یک سفری به بغداد می آید مشایخ بغداد از ایشان حدیث می شنوند من جمله کتاب علاء را از ایشان یعنی بعبارة اخرى مرحوم

شیخ یا نجاشی یک کتابی که برای کوفه هست گاهی اوقات می آیند قم از قم می روند کوفه ، اینجا آمدند قم از قم رفتند کوفه این طرقي را که

الان شما از شیخ خواندید غالبا ابن الولید است این آمده قم از قم رفته کوفه خود کتاب در کوفه نوشته شده است خیلی عجیب است که از

بغداد مستقیم به کوفه نرفتند با اینکه نزدیک تر است به ایشان .

یعنی اینقدر قمی ها روی این کتاب کار کردند اینها برای چیز اصلا آمدند به قم از راه قم رفتند به این حدیث رسیدند این ارزش کاری

است که قمی ها روی این کتاب علاء بن رزین الان هم ما اینجا بعد از

یکی از حضار: یعنی مقابله ؟

آیت الله مددی : مقابله کردند ، تصحیح کردند ، کم و زیاد کردند ، این که الان من به شما می گویم این کار بشود این کاری است که

قمی ها در آن وقت کردند کاری که ۱۱۰۰ سال قبل قمی ها کردند می گویم ما هم الان متنبه شدیم که این کار خوبی است ببینید چند تا

نسخ همه اش ابن ولید و سعد و صدوق اینها همه قمی هستند می رسد به حسن بن محبوب ایشان کوفی است می رسد به صفوان ایشان

بغدادی و کوفی است بقیه شان قمی هستند بفرمایید ، الان ایشان از طریق به حساب مشایخ بغداد مفید می رود به حسن بن حمزه ، حسن

بن حمزه ساکن قم نبوده اما آثار قم را به بغداد آورده است خود ایشان ساکن قم نبوده است . نمی دانم ساکن طبرستان بوده کجا بوده ایشان

هم از اجلاء است خود حسن بن حمزه جزو اجلاء اصحاب است عن حسن بن حمزة بفرمایید .

یکی از حضار: الان شیخ طوسی ۴ طریق یا ۵ طریق به کتاب علاء دارد این لازمه اش این نیست که شیخ طوسی ۵ تا نسخه داشته یک نسخه داشته که مشهور بوده اما به همین کتاب ۵ تا طریق دارد ، در خود تهذیب هم روایاتش مثل هم است این طور نیست که اختلاف داشته باشد ،

آیت الله مددی : چرا طرق که ذکر می کند گاهی ،

یکی از حضار: این اختلاف با کلینی اختلاف داشته باشد

آیت الله مددی : چرا گاهی اوقات در خود این هم هست دیگر ، عرض کردم این چون بحث الان تقریباً این بحثی که با شما داریم می کنیم جنبه ی فرضی دارد پیدا می کند این بهترین راهش کتاب علاء استخراج بشود تا معلوم بشود چه هست ، این تا استخراج نشود معلوم نمی شود ، مقابله بشود نسخه ها را ببینید مثلاً ستون بندی بشود دقت کنید مثلاً کتاب علاء نزد روایت علاء نزد کلینی ، کلینی از چه راه آورده نزد صدوق و بعد شیخ طوسی و بعد جهات دیگر ، یک نسخه هم از علاء نزد ما هست رسیده به ما کتاب سته عشر ، اصول سته عشر یکی از حضار: یکی را اصل قرار بدهد

آیت الله مددی : نمی شود اصل قرار داد این طور نیست ، ستونی مثلاً این قسمت در روایت کلینی نیامده در صدوق آمده این قسمت در صدوق نیامده در شیخ طوسی آمده است این طوری مقابله ی این جوری بشود تمام متون مقابل هم بنشینند آنجایی که نیامده با آنجایی که آمده با هم مقابله بشود دقت می کنید ، این کاملاً روشن می کند اختلاف ، آن بحث از این بحث فرضی خارج می شود آن وقت این بحث فهرستی ما آن وقت خوب آشکار می شود تا آن کار نشود روشن نمی شود بفرمایید .

یکی از حضار: عن محمد بن جعفر و قال حدثنا محمد بن جعفر عن الصفار

آیت الله مددی : محمد بن جعفر ؟ قاعدتاً باید محمد بن جعفر قمی باشد و ابن بطة است در این طبقه ابن بطة باید باشد ، چون محمد بن جعفر در این طبقه ابن بطة باید باشد .

یکی از حضار: نجاشی را دارید می خوانید ؟

آیت الله مددی : بله بله ، عادتاً باید ابن بطة باشد ، در این طبقه البته ما یک محمد بن جعفر داریم که در ری بوده بعید است او باشد که محمد بن جعفر کوفی اسدی که در ری بوده است لکن این بعید است آن باشد ، همین زیارت جامعه را هم او نقل می کند محمد بن جعفر اسدی کوفی که اهل به اصطلاح بنی اسد بوده عرب هم بوده آمده ساکن ری شده برای نشر دعوت تشیع ، روایات زیارت جامعه را ایشان نقل می کند زیارت جامعه ی کبیره را ایشان نقل می کند ، محمد بن جعفر در اینجا عادتاً باید ابن بطة باشد ، بفرمایید .

یکی از حضار: عن الصفار عن احمد بن محمد بن عیسی

آیت الله مددی: اینها همه قمی هستند ها، خود حسن بن حمزه قمی نیست ایران بوده لکن مشایخ قم هستند دقت کردید؟ اینها قمی هستند بفرمایید.

یکی از حضار: قال حدثنا الحسن عن العلاء بكتابه

آیت الله مددی: حسن باید در اینجا ابن محبوب باشد از آن نسخی که مرحوم شیخ که نسخه‌ی حسن بن محبوب ایشان یکی اش را آورده است روشن شد ایشان نسخه‌ی حسن بن محبوب را آورده است آن وقت مرحوم شیخ طوسی در آنجا چند نفر هیشم بن ابی مسروق بود و احمد بن محمد بن عیسی بود و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب بود و یعقوب بن زیاد، چند نفر عن الحسن بن محبوب ایشان از یک نفرش نقل می‌کند احمد، احمد فقط یک نفر از آن نفرات است ایشان فقط از احمد نقل می‌کند.

این هم راجع به این قسمت، مرحوم نجاشی نسبت به ایشان خیلی طولانی نوشته است، این کتاب، کتاب خوبی است. به هر حال آقا این بحث را تمامش کردیم. به نظر خود من این است که کتاب علاء بن رزین را جزو به اصطلاح مصادر اولیه ثبتش نکنیم نه ثانویه، نه اینکه به خاطر کتاب محمد بن مسلم نقل کنیم، نقل کرده محمد بن مسلم، ظاهراً خودش مستقلاً کتاب نوشته است و ظاهراً لا به لای کتاب روایات محمد بن مسلم را حالا آن‌هایی که از ایشان شفاها شنیده یا آنهایی که در کتابش دیده است لذا این مصدر جزو مصادر اولیه است، این هم یکی از مشکلات ماست که این را مصادر متوسطه حساب می‌کنیم، مصدر متوسطه یعنی از کتاب محمد بن مسلم، مصدر اولیه یعنی خودش نوشته باشد این فرقی است.

یکی از حضار: این وجه استظهارتان چیست می‌فرمایید ظاهراً از کجا استظهار می‌فرمایید؟

آیت الله مددی: چون به کتاب علاء طریق زیاد است معلوم می‌شود و بعد هم تفقه علی ید محمد بن مسلم یعنی خودش یک کتاب فقهی تألیف کرده است.

یکی از حضار: از این در نمی‌آید تألیف که مثل زراره دیگر

آیت الله مددی: می‌دانم اما کتاب محمد بن مسلم هم نقل کرده است آنچه که الان موجود است از کتاب خودش است با این کثرت طرق معلوم می‌شود اعتناء به کتاب خودش بوده است بلکه ایشان در کتاب خودش اسم محمد بن مسلم را زیاد آورده است، یا از کتاب محمد بن مسلم است یا ممکن است شفاهی از ایشان شنیده باشد دقت می‌کنید اگر برای، یعنی فرق بین این دو تا این است.

مطلب دیگری که باز در اینجا محل توجه است قبل از اینکه وارد بحث بشویم درباره‌ی مصادر متوسطه عرض کردیم، مصادر متوسطه ارزش زیادی دارند چون مصادر اولیه‌ی ما که عمدتاً در کوفه بودند خیلی متناثر بوده خیلی پراکنده بوده مصادر ثانویه‌ی ما مثل کتاب ابن ابی عمیر، مثل کتاب حسن بن محبوب، اینها جمع و جور کردند، یک مقدار هم تنقیح شده است، جمع و جور شده مرتب شده احمد بن محمد بن عیسی هست این مصادر ثانویه واقعا با ارزش هستند خیلی با ارزش هستند مصادر متوسطه اینهایی که در وسط بودند خیلی با ارزش هستند.

لکن یک نکته‌ای هست که هنوز برای ما خیلی روشن نیست این مصادر متوسطه این جور نبوده که همه‌اش در یکنواخت قرار بگیرد مثلاً کتاب ابن ابی عمیر را هم بغدادی و هم شیخ طوسی و نجاشی و هم فرض کنید نجاشی که نه و کامل الزیارات و دیگران را همین قمی‌ها نقل کردند اما عده‌ای از مصادر متوسطه نمی‌دانیم چرا به قم نیامده مشهور نشده است این هم برای ما روشن نیست، یک مقدار از اختلافات آن وقت اینها را ما از کجا فهمیدیم، شیخ طوسی نقل کرده است، اگر شیخ طوسی هم نقل نمی‌کرد نمی‌دانستیم، یعنی یک مقدار از مصادر متوسطه‌ی ما در حقیقت از منفرات شیخ طوسی است اگر بنا باشد ما روی منفرات اشکال بکنیم این اشکال پیدا می‌کند.

چون ما ان شاء الله تعالی عرض می‌کنیم یک مقدار روایات داریم که از منفرات شیخ صدوق است یک مقدار منفرات داریم که از شیخ کلینی است یک مقدار روایات داریم که از منفرات شیخ طوسی است این زیاد است از منفرات شیخ طوسی در فقه زیاد است. و این منفرات ایشان را الان تقریباً می‌توانیم مثلاً کتاب محمد بن علی بن محبوب که عرض کردم شیخ القمیین نوشته بود قمی‌ها نقل کردند، کلینی که اصلاً نقل نکرده، صدوق یک مقدار نقل کرده که نمی‌دانم از اینجا است یا جای دیگری است شیخ طوسی نقل می‌کند ولی انصافاً روایتش شذوذ دارد انصافاً حقاً یقال یک مقدار کتاب ابن فضال پسر است، یعنی ما آنچه که از روایات ابن فضال پسر عده‌ای هم شاذ است یعنی عمل نکردند اصحاب، طرح کردند اصحاب، قمی‌ها نقل نکردند، کلینی هم نقل نکرده، صدوق هم نقل نکرده است.

یکی از حضار: شیخ به خاطر جمع بین اخبار مجبور بوده

آیت الله مددی: ها شیخ به خاطر اینکه تعارض دیده برداشته نقل کرده است. چون شیخ در بغداد واقعا با این مشکل روبرو بوده است خوب حق شیخ هم هست ما هم بودیم همین طور چون در بغداد برای اولین بار تقریباً می‌شود گفت حالا قبل از شیخ مذهب شیعه دیگر مطرح شد رسماً مطرح شد، سنی‌ها انتقادات خودشان، چون قبل از قمی‌ها، یک شهر قم خودشان با همدیگر بودند آنها می‌نشستند با همدیگر یک قل و دو قل بازی می‌کردند مشکل نداشتند.

به قول خدا رحمت کند آقای آشتیانی از یکی از علمای تهران گفتم درس می گفت گفت بله سه چهار نفر می نشینیم با هم لی لی حوضک بازی می کنیم حالا غرض در قم می شد بنشینند با هم لی لی حوضک بازی کنند ، اما در بغداد دیگر نمی توانند لی لی حوضک بازی کرد ، جای لی لی حوضک نبود ، کتاب ها را نگاه می کردند شما چرا این فتوا را دادید پس این روایت چیست ، پس این چیست ، پس این چیست لذا شیخ طوسی به نظر ما واقعا کار بزرگی کرد این مقداری که جمع بین شیخ طوسی کرد یعنی مقداری که شیخ آورده قبل از ایشان نیاوردند اصولا عرض کردیم قبل از ایشان مرحوم کلینی و مرحوم صدوق روایات را گزینشی آوردند نه اینکه تعارض را ندیدند قبول کردند یک طایفه را قبول کردند بقیه را نیاوردند .

شیخ طوسی آن طایفه ای که اینها نیاوردند آورده است تعارض را خواسته حل بکند و انصافا هم خیلی جاها موفق نبوده ، انصافا بینی و بین الله خیلی موفق نیست ، دقت کردید چه می خواهیم بگویم ؟ روشن شد ریشه های کار کجاست ؟ یک مقدارش این مصادر متوسطه ای است که شیخ آورده آنها نیاوردند . حالا اینها را مثلا ما برای شما می توانیم فهرست بندی کنیم ، لیست بندی کنیم یکی همین کتاب محمد بن علی بن محبوب است یکی کتاب ابن فضال پسر است ، خیلی هم عجیب است واقعا ما الان معظم روایات ، شاید مثلا در کافی چند مورد بیشتر نباشد علی بن الحسن نگاه کنید تیمی ، میثمی ، علی بن حسن ایشان ابن فضال پسر است ، پدر اسمش حسن است پسر اسمش علی است این خیلی کم است روایت در صدوق که شاید نباشد اما در کتاب شیخ طوسی زیاد است .

و اکثرش هم اصحاب اعراض کردند یعنی قمی ها نقل نکردند اصحاب اعراض کردند آن وقت کجا ثمره اش اظهار شد مثل آقای خوئی ، آقای خوئی آمد گفت این سند معتبر است چون موثق است ایشان موثق است قبول دارد ، کاری به احراز هم ندارد ، آمدند به یک وجهی جمع بکنند دقت می کنید ؟ من ریشه ی اختلاف فتاوی علمای ما را تا زمان حال برای شما روشن کردم .

یکی از حضار : و با توجه به اختلاف نسخ روایات با این تعارض می شود بگوییم که آن شهرت

آیت الله مددی : آن وقت لذا اصلا اصولا در بین اصحاب ما آن مقدار که حمل بر تقیه از زمان شیخ آمده از قبل از ایشان نبوده است یکی از راه هایی که ایشان زیاد رفت به آن تمسک کرد تقیه است ، البته این راه تقیه که ایشان گفت زیاد شد ، صاحب وسائل زیاد دارد و ربما يحمل علی التقية ، زیاد دارد . از آن زیادتر حدائق دیگر ما از حدائق بیشتر ، می گوید تحمل علی التقية التي اصل کل بلیة اصلا این عبارت را تکرار می کند . هر جا گیر کرده ، حالا صاحب حدائق چیز دیگری هم می گوید ، می گوید لازم نیست تقیه هم مثلا بگردیم ببینیم مطابق بین فتاوی اهل سنت هست یا نه همین که بین شیعه هم اختلاف باشد تقیه است این خودش یک نوع تقیه است دیگر .

چون سابقین وقتی می خواستند بگویند تقیه است مثلا مطابق با فتوای کیست ، گاهی شده مثلا روایت امام صادق تقیه است از شافعی اصلا شافعی بعد از امام صادق به دنیا آمده است اصلا معقول نیست که امام صادق از او تقیه کرده باشد دقت می کنید ، دیگر صاحب حدائق این قید را هم برداشت لازم نیست از یک فقیه سنی باشد حتی بین اهل سنت این رأی نباشد حمل بر تقیه می شود چون ایشان یک اصلی گذاشته که گاهی ائمه تقیه می کردند برای اینکه بین شیعه اختلاف باشد ، انا خالفتم بینهم یک روایتی نقل می کنند انا خالفتم بینهم حفظا لدمائهم نمی خواستند یک رأی واحد بین شیعه باشد که شیعه شناخته نشود که شیعیان مثلا این غالبا به این رأی هستند برای حفظ دماء شیعه ، دقت کردید ؟ این را اولین بار شیخ طوسی کرده است ، ما اسم شیخ طوسی را زیاد می بریم که اولین بار اینها رویش کار بشود آن وقت بعد از شیخ طوسی عده ای از آن روایات اعراض شده بود بعد اعراض قوی تر شد مشکل کجا پیدا شد عده ای از آنهایی که اعراض پیدا کرده بودند مثلا روایت ابن فضال پسر ، علامه هم اعراض کرد چون علامه به موثق عمل نمی کند . باز بعد از علامه مثل آقای خوئی آمد به موثق عمل می کند یعنی این در طول تاریخ تشیع این مشکل دائما نوسان پیدا کرد حالت کم و زیادی پیدا کرد .

مثلا کتب ابن فضال پسر ایشان در قم جا نیافتاد و واقعا مرد ملایی است یعنی انصافا هیچ جای بحث ندارد فوق العاده است عرض کردم ایشان از لحاظ علمی بر پدرش مقدم است ، پدرش از لحاظ معنوی مقدم بوده است چون دارد که در صحراء نماز می خواند و حوش دورش جمع می شدند ، راجع به پدرش دارد این ، خیلی حالت

حتی دارد که مشغول نماز بود این دزدهای صحراء این دزدهای سرگردنه می آمدند می دیدند ابن فضال است اصلا فرار می کردند تا می دیدند مشغول نماز است این صعلایک ، صعلایک یعنی دزدهای سرگردنه پا به فرار می گذاشتند ، اصلا قیافه ی ابن فضال را می دیدند فرار می کردند این برای ابن فضال پدر است خیلی مرد با معنویتی است نمی شود انکار کرد خیلی فوق العاده است اما پسرش شاید علمیا قوی تر باشد .

دیگر بعد از کتابها این خیلی مهم است یعنی یکی از اسباب انفرادها را دارم به شما می گویم این انفرادها یک مقدارش از مصادر اولیه است ، یک مقدار انفراد شیخ از مصادر متوسطه بود ، یک مقدار انفراد شیخ از مصادر اولیه است مثلا شیخ از کتاب عمار ساباطی زیاد نقل کرده است ، جزو مصادر اولیه است عمار ساباطی ، یعنی الان جمیع روایت عمار ساباطی نقل بشود ۸۰ درصدش منفرد شیخ است . یکی از حضار : بیشترش را شیخ نقل کرده است .

آیت الله مددی : عرض کردم ۸۰ درصدش برای شیخ است هم کلینی از او اعراض کرده هم شیخ صدوق یعنی هم در مصادر اولیه شیخ طوسی انفراد دارد هم در مصادر متوسطه ، در مصادر متوسطه نسبتا زیاد است مثلا موسی بن قاسم .

خیلی عجیب است ما یک قسمت‌هایی هم ما واقعا متحیر هستیم یعنی نه اینکه حالا مثلا خیال کنید مثلا این موسی بن قاسم خیلی جلیل القدر است موسی بن قاسم بن معاویه بن وهب را بیاورید این موسی بن قاسم خیلی مرد جلیل القدری است واقعا مرد بزرگواری است و عجیب این است که کتاب‌های فراوانی هم داشته است و عجیب این است که اصحاب از او نقل نکردند الا شیخ طوسی آن هم از خصوص کتاب حج .

یکی از حضار: آن وقت این شاهد نمی‌شود که ما

آیت الله مددی: چه بوده ، نکته چه بوده ، چه نکته‌ای در کار بوده و ایشان وقتی نقل می‌کند ایشان هم از مصادر ایشان مرد بزرگواری است مثلا یک مقدار از روایات معاویه بن عمار را ایشان نقل می‌کند ، همین

یکی از حضار: موسی بن قاسم

آیت الله مددی: این با نسخه‌ی مشهور قمی‌ها هم فرق دارد لذا اسمش را گذاشتیم نسخه‌ی کوفی ، نسخه‌ی قمی . نه کلینی نه صدوق اصلا از موسی بن قاسم در حج نقل نمی‌کنند .

یکی از حضار: می‌شود بگوییم مرتکز شیعه بوده هر چه آن وقت بوده

آیت الله مددی: نمی‌دانم ، اینها چه هست ، این خیلی عجیب است ها یعنی نه اینکه در جلالت ، موسی بن قاسم راوی کتاب علی بن جعفر هم هست ، اصولا کتاب علی بن جعفر چند تا طریق دارد مهم ترین طریقتش دو تاست یکی همین موسی بن قاسم یکی عمرکی نیشابوری ، یعنی هم کلینی از این کتاب نقل می‌کند ، کتاب علی بن جعفر نسخه‌ی موسی ، هم صدوق نقل می‌کند هم شیخ طوسی نقل می‌کند این نسخه‌ی بسیار معروفی است از کتاب علی بن جعفر خودش هم کتاب دارد . حالا موسی بن قاسم را بیاورید می‌گوید له

یکی از حضار: اول ابن جعفر را بخوانم ، روی ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه عن ابیه عن سعد والحمیری باحمد بن

ادریس و علی موسی عن احمد بن محمد عن موسی بن القاسم عنه این روایت

آیت الله مددی: اصلا زیاد است نه اصلا بینید صدوق مشیخه را که شروع می‌کند ، مشیخه طبق روایاتی است که در کتاب آورده است اولین سند در مشیخه به علی بن جعفر است یا اول یا دوم آن هم از راه موسی بن قاسم و عمرکی ، کلینی هم زیاد از این دو نفر عمرکی بن علی نیشابوری از روستایی است به نام بوفک شاید پفک مثلا اسمش بوده در عربی بوفک است شاید لفظ فارسی اش فرق می‌کند عمرکی بن علی نیشابوری بوفکی مرد ثقه و جلیل القدری است ایشان هم از این کتاب نقل می‌کند . اما خود موسی بن قاسم ، موسی بن قاسم کتاب دارد و خیلی عجیب است با اینکه کتاب‌های فراوانی در فقه دارد و خیلی هم جلیل القدر است این خیلی عجیب است برای ما .

و یک کتاب الحجی دارد این کتاب الحج را شیخ از او زیاد نقل می کند در جاهای دیگر از او نقل نمی کند یعنی خوبی شیخ این است که از مصادر نقل می کند ما می توانیم بشناسیم ، اسم موسی بن قاسم در فقیه و در کافی در بحث حج نیست بلکه یک روایت واحده در کافی است که آن هم ظاهراً شاید شفاه گفته شاید هم در کتابش نوشته باشد ، این شفاهی است .

می گوید به حضرت جواد عرض کردم من طواف می کنم از طرف رسول الله ، از طرف امیرالمؤمنین بعد حضرت فرمودند کار خوبی می کنید ، می گوید و ربما اطوف عن فاطمه سلام الله علیها حضرت می فرمایند اکثر من هذا فانها افضلها از حضرت زهرا بیشتر طواف کن این را موسی بن قاسم ، این معلوم است کتاب نیست صحبت کرده با امام جواد حالا شاید در کتابش هم نوشته باشد در کتاب کافی فقط همین روایت در حج از موسی بن قاسم هست ، اما در تهذیب زیاد است .

یعنی می خواهم سرانفرادهای ما ، ما می گوئیم منفرد منفرد داریم سرانفراد ، یک مقدار از این انفرادها روی مصدر متوسط است ، احتمال دارد احتمال دارد این مصادر متوسطه چون از مصادر اولیه گرفته شده است اصحاب ما در قم از مصادر اولیه از راه دیگری به آنها رسیده است لذا به موسی بن قاسم نگاه نکردند این احتمالش این است .

مثلاً همین کتاب حج از طریق فرض کنید ابراهیم بن هاشم یا از طریق احمد اشعری به آنها رسیده است دیگر به نسخه ای او مراجعه نکردند اما الان داریم و اختلاف دارد الان داریم . کتاب موسی بن قاسم یکی همین کتاب محمد بن علی بن محبوب نوادر ، که چند دفعه تا حالا گفتیم ، یکی از کتاب هایی که باز در این قسمت وجود دارد همین کتاب علی بن اسماعیل که دیشب گفتیم کتاب النکاح نقل نمی کند الا شیخ و اعجبش این است که شیخ در شرح حالش کتاب نکاح به او نسبت نمی دهد نجاشی به او نسبت می دهد و هر دویشان هم به او طریق ندارند که این نشان می دهد که کتاب در خارج موجود بوده اصلاً در خارج یک کتاب به نام کتاب النکاح تألیف علی بن اسماعیل میثمی موجود بوده است .

یکی از حضار : چرا شیخ نسبت نمی دهد ؟

آیت الله مددی : سندی نداشته در اجازات وارد نشده است ، اجازه به آن نداده نه اینکه نسبت نمی دهد ، اجازه به او نداده در اجازات وارد نشده است ، دقت کردید ؟ اما چرا نقل می کند چون در خارج موجود بوده است در اجازات وارد نشده است . این حل این قسمت یک نکات خاصی را دارد یعنی ما عده ای از این چهره ها فرض کنید حسن بن محمد بن سماعة شیخ از نقل می کند این از بزرگان واقفیه است و از ظاهر عبارت نجاشی معلوم می شود از آن واقفیه های بلا نسبت خبیث هم هست یکی از رفقا به من می گفت خوب این با این خبیثی چرا کلینی حتی از او نقل می کند ، چون نجاشی می گوید کان یعاند فی الوقف نجاشی تعبیرش این است .

عرض کردم این تعبیر را چون واقفیه‌ها دو جور بودند به طور کلی، یک عده می‌گفتند حضرت رضا نمی‌داند، مرد عالم، فاضل، ملا خوب همه جهاتش خوب امام نیست نمی‌داند پدرش زنده است، اما عده‌ای اهانت می‌کردند به حضرت رضا اینها معاند فی الوقف هستند یکی از حضار: آن وقت اینها برای دوره‌ی استقامت و غیر استقامت بودند

آیت الله مددی: ندارد نه،

یکی از حضار: کسی برای قبل از وقف

آیت الله مددی: اصلاً ایشان از ارکان وقف است خود شیخ از این کتاب مستقلاً نقل می‌کند، چون شیخ طوسی یک مقدار از حسن بن محمد بن سماعة نقل می‌کند لکن توسط کلینی، غیر از کلینی خودش هم نقل می‌کند حالا مرحوم صدوق نقل نمی‌کند این قسمت‌ها را هم کلینی هم نقل نمی‌کند اما شیخ نقل می‌کند. این هم جزو عجایب است یک قسمت‌هایی را از کتاب حسن بن محمد بن سماعة واقفی که به تعبیر نجاشی کان یعانده فی الوقف یعنی بلا نسبت اهانت به حضرت رضا می‌کرد اینها جزو آن افراد که واقعا آدم هم ناراحت می‌شود اما از آن طرف ثقه است طریقش هم خوب است آقای خوئی عمل می‌کند، روایتش شاذ است.

یکی از حضار: کار به اعراض هم ندارد

آیت الله مددی: کار هم به اعراض ندارد این می‌گویم ریشه‌های بحث تا زمان ما روشن شد، چه کار کردند؟

لذا عرض کردم ما بهترین راه را بر این می‌دانیم که تاریخ را در این قسمت‌ها در نظر بگیریم می‌توانیم بگویم بعد از گذشت ۱۵ قرن خودمان تشخیص بدیم که قابل قبول هست یا نیست، مثلاً این حسن بن محمد بن سماعة را علامه اولین کسی است که ارزیابی کرد قبول نکرد، صاحب مدارک هم قبول نمی‌کند، معالم هم قبول نمی‌کند چون اینها به موثق عمل نمی‌کنند، دقت کردید؟ اما آقای خوئی عمل می‌کند چون آقای خوئی به موثق عمل می‌کند، فتوی‌ عوض می‌شود دقت کردید؟ ما الان عده‌ای از یعنی انفرادهای شیخ طوسی منشأش در حقیقت اینجاست از مصادر متوسط نقل می‌کند که این مصادر متوسط به دست قمی‌ها بوده اما نقل نکردند قمی‌ها، نه کلینی نقل کرده نه صدوق نقل کرده است.

باز مثلاً صدوق فرض کنید من باب مثال از کتب فضل بن شاذان چیزهایی نقل می‌کند که هیچ قمی نقل نکرده است حتی بغدادی‌ها هم یعنی مثل نجاشی و شیخ نسبت هم ندادند به فضل بن شاذان، صدوق نقل می‌کند.

یکی از حضار: احتمال دارد نداشتند آن کتابی که آنها بغدادی‌ها نقل نکردند

آیت الله مددی: چرا دیگر صدوق داشته دیگر، تفسیر امام عسکری صدوق قسمتی را در کتاب فقیه آورده یک تکه اش در ابواب التلبیه باب التلبیه در کتاب صدوق از تفسیر امام عسکری است، اصلاً اسم آن را نبردند اسم آن را روی را نبردند. بلکه ابن غضائری می گوید اصلاً این کتاب برای سهل بن احمد دیباجی است این هم خیلی عجیب است این هم همه ی آقایان گیر کردند که این اسم سهل بن احمد دیباجی اینجا نیست لذا ما یک احتمال دیگری هم دادیم لذا وارد آن بحث تفسیر امام عسکری نمی خواهیم بشویم، دقت می کنید؟

صدوق هم انفراد دارد انفرادش بیشتر این جوری است از این سنخ است، کلینی هم بعضی انفرادات دارد لکن جمله ای از انفراداتش را در ابواب النوادر آورده است یا در روضه آورده است باز یک کمی جدایش کرده یک کمی، اما مرحوم شیخ طوسی آورده است چون حجیت خبر را قائل است. از کتب حسین بن سعید مقداری که شیخ آورده آنها ندارند از کتاب محمد بن احمد مقداری که شیخ آورده آنها ندارند الی آخره کتاب هایی، مثلاً کتاب الرحمة سعد بن عبد الله کلینی که اصلاً نیاورده است آن که هیچ، جاهایی دارد که روایات منحصر به سعد است ایشان می گوید روی کلینی با اینکه شاگردش هم هست.

یکی از حضار: آن مشایخ قبل از شیخ روایاتی را که قبل نداشتند نمی آوردند ولی شیخ روایاتی را که قبول

آیت الله مددی: مختلف بوده ما به نظرم می آید مثلاً مثل ابراهیم بن هاشم این جور نبوده است، جایی ننوشته است این مطالب را اصلاً به نظرم می آید ابراهیم بن هاشم کتاب را کامل نقل می کرد حالا قبول داشته یا نداشته اما احمد احتمالاً انتخاب می کرده است.

یکی از حضار: خود شیخ صدوق هم

آیت الله مددی: صدوق چرا دیگر صدوق انتخاب می کند گزینشی است که صدوق و کلینی گزینشی هستند بلا اشکال اما شیخ گزینشی نیست، دقت کردید؟ او اصلاً به این هدف آورده که اگر معارض است جواب بدهد اصلاً به عنوان تعارض آورده است.

و لذا عرض کردم ۸۰ درصد تعارض ما برای شیخ است اصلاً اگر شیخ نبود این تعارض را خبر نداشتیم اصلاً ما نمی دانستیم حدیث معارض داریم، ۸۰ درصد احادیث معارض ما را شیخ آورده اگر نیاورده بود اصلاً خبر نداشتیم که ما در این مساله حدیث معارض داریم چون کلینی و صدوق حذف کرده بودند.

یکی از حضار: یعنی آنها یک جور رفع تعارض کرده بودند.

آیت الله مددی: رفع تعارض نکردند همان که به شما عرض کردم رأیشان یعنی انتخاب می کردند، حدیث بر قرائت بر مشایخ و قرائن، عرض کردم حدیث می کردند مثلاً گاهی اوقات دارد که فرض کن احمد بن حنبل از یک استادش ۱۰ هزار حدیث می نوشت اما ممکن بود

در کتاب مسندش ۵۰ تا آورده بود ، چرا چون بقیه را نگاه می کرد راه های بهتری داشت ، راهی که این استادش گفته خرابی درش داشته

متنش مشکل داشته معارض داشته همینطور حذف

یکی از حضار: قواعد تحدیث هم که در بین اهل سنت بوده همان رویه ای بوده که شیخ صدوق و کلینی داشتند .

آیت الله مددی: بزرگان شان چرا ، مثل بخاری چرا ، آن هم گزینشی است ، اینها گزینشی هستند همه شان نه ، مثل کنز العمال نه اما گزینشی چرا .

یکی از حضار: آن صحاح شان اینطوری نیست ؟

آیت الله مددی: صحاح شان گزینشی است آنهایی که انتخاب می کردند ، آنهایی که قابل قبول بودند ، احتمال در شیعه ما احتمال دادیم در شیعه شاید از قرن سوم نه از قرن دوم از زمان حضرت رضا به بعد در شیعه شاید این راه راه افتاد لکن نه به عنوان دقت کنید ، مطلب را دقت کنید ، مطلب سوم این مطلب در شیعه راه افتاد که مثلاً صحیح است ، حسن است ، ضعیف است ، فلان ، لکن در شیعه به این صورت راه افتاد اگر صحیح بود به جای صحیح می گفتند کتاب اصل در مقابل مصنفات روشن شد ؟ احتمالاً در قرن سوم در شیعه اصول و مصنفات همان کاری که اهل سنت کردند ، لکن اهل سنت روی راوی حساب کردند ما روی کتاب حساب کردیم ، گفتیم اگر روی راوی حساب کنیم رجال است روی کتاب حساب کنیم فهرست است خلاصه اش کردیم .

یکی از حضار: اهل سنت از چه زمانی شروع کردند ؟

آیت الله مددی: قرن سوم ، اواخر دوم و اوائل سوم قبلش نداشتند .

یکی از حضار: ولی حرفی که شیخ در تهذیب دارند یا جای دیگر شاید هم کلینی و اینها از اصول من گفتم و این رویه ای بوده در بین

چیز در بین اصحاب در واقع حدیث و اینها شبیه به این

آیت الله مددی: نه .

یکی از حضار: من آن چیزی را که گفتم اصول معتمد گفتم و کذلک

آیت الله مددی: اصول معتمد هست اما شیخ وقتی می گوید از مصنفات هم نقل می کند ، صدوق هم که مصنفات زیاد دارد اصلاً ،

اصولاً وقتی بحث حجیت و سند مطرح شد از زمان شیخ دیگر عرض کنم ما اصطلاحات اصول و مصنفات را بعد از شیخ نداریم مرد این

اصطلاح ، چرا چون رفتند روی سند وقتی رفتند روی سند دیگر اصول ، الان آقای خوئی مثلاً کتاب صدوق را فقیه را با کتاب خصال یک

جور بررسی می کند سند را بررسی می کند وقتی رفتند روی سند دیگر اصول و مصنفات ندارد .

یکی از حضار: می شود بگوئیم راحت ترین راه این حجیت تعبدی است

آیت الله مددی: ما حجیت تعبدی قبول ، آقایان حجیت تعبدی ، حجیت تعبدی را قبول کردند شیخ دقت کردید ؟ و این هم به خاطر محیط علمی بغداد بود یک ، احتمالاً زمینه های علمی خود شیخ طوسی هم این بوده چون ما یک مشکل کلی مان زمینه ی علمی شیخ طوسی نداریم . یک مشکل کلی ما ، ما الان مثلاً زمینه ی علمی نجاشی را داریم ، پدر شیخ الشیعة بوده در زمان خودش ، کتاب شناس بزرگ شیعه است بزرگ شده ی بغداد است واضح است که نجاشی فهرستی کار می کند کاملاً واضح است ، دقت می کنید ؟ اما زمینه ی شیخ را نداریم چون تا ۲۳ سالگی ایشان در طوسی بوده و کسی که در طی ۴۱ سال ۴۲ سال این همه تالیفات درست می کند این شخصیت بزرگی است دیگر

یکی از حضار: در حوزه های مختلف

آیت الله مددی: در حوزه های ، الان بیشتر معارف حوزوی ما مدیون شیخ است و این در این جهت شیخ نظیر ندارد با او با یک کمی تفاوت علامه ، یعنی شیخ در حدیث دارد که علامه ندارد ، در کلام دارد که علامه دارد ، در اصول دارد که علامه بیشتر دارد ، در فقه مقارن دارد که علامه دارد ، در فقه تفریعی دارد که علامه بیشتر دارد ، در فقه عادی دارد ، در فقه ماثور دارد که علامه ندارد ، در رجال دارد که علامه دارد ، دقت می کنید ؟ در فهرست دارد که علامه ندارد ، در تفسیر دارد که علامه ، دقت کنید . اما نسبت به بقیه باز علامه بیشتر از بقیه است بیشتر از صاحب جواهر از صاحب مدارک بیشتر است .

یکی از حضار: علامه تکراری دارد

آیت الله مددی: حالا تکراری جای خودش ، نه رشته های مختلف هم دارد دقت کردید ؟ علامه رشته های مختلف را دارد بله دقت می کنید ؟ منطق دارد ، فلسفه دارد ، یک چیزهایی دارد که شیخ ندارد اما در علوم حوزوی ما هنوز شیخ تک است یعنی در حوزه ها سر توجه حوزه ها هم به او یکی اش همین بود در تمام زمینه های معارف حوزوی ما ایشان کتاب دارد و این در ظرف ۴۱ سال ، ۴۲ سال که ایشان در بغداد بود ، آن وقت این ۲۳ سالی که ایشان در طوس بوده چه زمینه ی علمی داشته این برای ما روشن نیست .

یکی از حضار: آن هم در آن بهبوهه ی جنگ ها و

آیت الله مددی: جنگ نبود آن وقت هنوز نه در طوس جنگ خاصی نبوده ، جنگ خاصی نیست زمان بنی العباس است البته طوس به طور متعارف یعنی خراسان به طور متعارف یکی از مراکز مهم شافعی هاست ، تاثر شیخ هم به فقه شافعی واضح است این راست است اصلاً شافعی ها دو تا مثل ما می گوئیم نجفی و قمی دو تا دارند بغدادی و خراسانی ، اصلاً اصطلاحشان این است عراقی و خراسانی .

آن ها هم بعضی ها حتی نوشتند مثلا شاید در زمان جوانی ایشان شافعی بوده بعد برگشته شیعه شده است این را هم نداریم هر چه هست تاویلات است از دوران جوانی شیخ ما خبر درستی نداریم .

یکی از حضار: خاندانشان؟

آیت الله مددی: نداریم نه .

یکی از حضار: اصلا گویا امام زمان این را انداخت که کلا جمع و جور کند

آیت الله مددی: دقت می کنید؟

یکی از حضار: از قبل از ۴۰۸ هیچ خبری نیست .

آیت الله مددی: از ایشان خبری نداریم ، ایشان یک قسمتی در کتاب به حساب امالی خودش از کتاب هشام بن سالم نقل می کند از یک استادی ما از او خبری نداریم احتمالا او در ایران بوده است ، احتمالا یکی دو تا استاد دارد شیخ که نجاشی هم از آنها نقل نمی کند احتمالا در ایران بوده اما در حد نقل از کتاب هشام مثلا ، دقت می کنید؟

یکی از حضار: هیچ وقت یک ایرانی را کم نگیرد .

آیت الله مددی: علی ای حال روشن شد چه می خواهم بگویم؟

پس بنابراین ما یک مشکلی که الان داریم یعنی می خواهم این سبب افراد را بگویم ، یک مقداری از این افراد توسط مرحوم شیخ طوسی شده است ، سرش هم این شد ، در راجع به کتاب عمار ساباطی خوب اختلاف مذهب بوده ، قبول نکردند چون مذهب فطحیه بوده است ، آن را عرض کردم آن اشکال سر این جهت نبوده است چون قمی ها ما هم عقیده مان همین است این کتاب فقه فطحیه است و چون امام عسکری فرموده بودند به اینکه به فقه شان نگاه نکنید خذوا ما رووا و ذروا ما رأوا اصلا مورد توجه قمی ها نبوده است بعضی از قسمت هایی که مورد توجه بوده است قبول کردند ، دقت می کنید؟

حالا غیر از اشکالات دیگری که شده است اصولا به طور کلی شیخ در مصادر متوسط این نکته را دارد که گاهی اوقات نقل می کند و منفرد هم هست کسی دیگری از آن مصدر متوسط نقل نمی کند کسی دیگر هم مراد ما قمی ها که قبل از قمی هاست . از کتاب الرحمة سعد بن عبد الله نقل می کند البته صدوق هم نقل می کند لکن چیزهایی را شیخ نقل می کند که صدوق نقل نمی کند و صدوق هم تصریح می کند که من چیزی را نقل می کنم که استاد من ابن الولید قبول کرده است ، یعنی معلوم می شود نه کلینی قبول داشته و نه ابن الولید و نه صدوق اما شیخ قبول داشته است .

همین روایت ای وضوء اطهر من الغسل همینطور است دیگر خوب این منفرد سعد است ، البته از یک طریق دیگری هم دارد کتاب نوادر اما این تعبیر منفرد سعد است ، ای وضوء اطهر من الغسل ، و صدوق هم این را نمی آورد فقط شیخ کلینی می گوید و روی ای وضوء انقی من الغسل ، انقی هم داریم اطهر هم داریم ، چهار تاسند به نظرم شیخ طوسی برایش هر چهار سند برای کتاب سعد است ، اصحاب هم به آن فتوی ندادند آقای خوئی برگشتند فتوی دادند .

طبعاً شنیدم الان اینطور که شنیدم اکثر معاصرین ما بعد از آقای خوئی شنیدم فتوایشان همین است که وضوء مستحبی هم ، غسل مستحبی هم مجزی است که ما مجزی نمی دانیم ، الان اکثرشان شنیدم اینطور شنیدم بعد از آقای خوئی حالا شاگردان آقای خوئی باشند یا نباشند اکثرشان فتوایشان بر این است که غسل جمعه مثلاً مجزی از وضوء است دیگر وضوء نمی خواهد دقت فرمودید ؟ حتی بعضی هایشان نوشتند مثل مرحوم آقای کوکبی حتی سند روشنی هم نداشته باشد آقای خوئی می گوید باید سند استحبابش روشن باشد برای آن غسل مستحب است باید به سند صحیح رسیده باشد .

یکی از حضار : اغلبشان این را می گویند .

آیت الله مددی : بله اغلبشان الان شنیدم که معاصرین همین رأی آقای خوئی این را ما قبل از آقای خوئی نداریم اصلاً اعراض اصحاب داریم از این مطلب ، غسل مستحبی ، نه غسل مستحبی ، غسل حیض هم مکفی نمی دانستند باید وضوء می گرفتند حائض بعد از غسل باید وضوء بگیرد . یعنی غسل حیض هم مجزی از وضوء نمی دانستند چه رسد به غسل مستحبی .

یکی از حضار : حالا نعوذ بالله یک مبنای قیاسی هم دارد یک مقداری ای وضوء ، وضوء را با غسل قیاس کردن یک کمی مبنای اهل سنتی دارد روایت اگر شد اعراض کردند واقع شیعی داشته علتی داشته است .

آیت الله مددی : حالا واقعیت مطلبش به عکس اهل سنت می گویند با غسل جنابت باید وضوء هم بگیرد به عکس شما ، اگر قیاس باشد باید آنها قائل باشند ، آنها قائلند که هر غسلی باشد باید وضوء بگیرد حتی غسل جنابت .

یکی از حضار : اهل سنت این طور است ؟

آیت الله مددی : بله بله .

یکی از حضار : همه شان ؟

آیت الله مددی : بله . آنها قائل هستند مجزی نیست حتی غسل جنابت هم مجزی نیست ، به عکس

یکی از حضار : چیز می گوید این مضمون یک مقدار ظاهر سازی است ، آب بیشتری به قول ، اصلاً وضوء مهم تر است .

یکی از حضار: اصلاً دیگر بدتریک قیاس مع الفارق هم هست تازه یک جورایی اهل سنت هم

آیت الله مددی: اهل سنت قائل نیستند نه در جنابت هم می گویند باید وضوء بگیریم، قبله او بعده

یکی از حضار: نه حالا اهل سنت هم کار نداشته باشیم ظاهرش این است که می گویند بیشتر آب به خودش می زند از وضوء مهمتر

است

آیت الله مددی: و لذا اصلاً، شیخ طوسی هم دقت کنید، شیخ طوسی هم این حدیث را آورده است، لکن التفات به چه کرده است،

التفات به این کرده است اولاً اتقی را قبول نکرده است چون آب بیشتری ریخته می شود اطهر را قبول کرده است چون در روایت داریم که لا

صلاة الا بطهور اعتبار به طهارت است نه اعتبار به نقاوت، آن وقت مراد شیخ طوسی این است که قرآن دارد و آن کتتم جنبا فاطهروا اگر

جنب باشیم.

آن وقت این فاطهروا به معنای، اهل سنت گرفتند یعنی وضوء بگیریم لا صلاة الا بطهور که وضوء می خواهد وضوء بگیریم از آن طرف

در خود شیخ طوسی می گوید از آن آیه ی مبارکه ی دیگر و لا جنبا الا عابری سبیل حتی تغتسلوا پس اغتسال طهارت است استدلال امام این

است که اگر خود قرآن به غسل گفته طهارت کدام وضوئی است که از این که خود قرآن گفته طهارت طاهر تر باشد؟ لذا شیخ طوسی

می گوید ای وضوء اطهر من الغسل الف لام عهد است یعنی غسل جنابت، نه مطلق غسل اینها روشن شد؟ این حرف آقای خوئی ضعیف

است خیلی ما هم قبول نکردیم حرف آقای خوئی را

یکی از حضار: اما مشهور فقهاء همین است که می فرمایند.

آیت الله مددی: همین است.

یعنی ملتفت شدید شیخ چه فهمیده است، شیخ این را فهمیده است که ای وضوء اطهر من الغسل یعنی غسلی که خداوند آن را طهور

قرار داده است، مثلاً در باب حائض ندارد که فاذا طهرت فاغتسل، دارد فاغتسلی و صلی، فاغتسلی ندارد فاطهری، اگر فاطهری داشت

یعنی غسلش طهارت است، اما در باب جنابت دارد که و ان کتتم جنبا فاطهروا یک آیه ی دیگر دارد و لا جنبا الا عابری سبیل حتی تغتسلوا

پس غسل می شود طهارت، روشن شد؟

می گوید چیزی که خداوند در قرآن گفته طهور چطور وضوئی می خواهد از آن طاهر تر باشد؟

یکی از حضار: رد اهل سنت باشد.

آیت الله مددی: این رد اهل سنت است. چرا می گوئیم وضوء بگیرد قبلش و بعدش؟ دقت کردید؟

اما این معنایش این نیست که و لذا ما عرض کردیم اگر ما باشیم و ظاهر این حدیث مبارک این است یک: باید اولاً ثابت بشود یک حدثی هست این یک نکته، مثلاً جنابت حدث است، مثلاً خواب حدث است، بول حدث است، ثانیا ثابت بشود غسل رافع آن حدث است طهارت است نسبت به حدث، مثلاً حیض حدث است. اما در روایت در نیامد که غسلش رافع حدث است، اما روز جمعه داخل شدن حدث نیست اصلاً چرا غسل جمعه طهارت باشد؟ ملتفت شدید چه می خواهیم بگویم؟

اول باید حدث ثابت بشود غسل بیاید جنبه‌ی رافع حدث داشته باشد که طهارت بشود دیگر، در

یکی از حضار: این استحبابی است آن واجب است

آیت الله مددی: خوب، آقای خوئی می گوید فرق نمی کند ای وضوء اطهر من الغسل مطلق است استحبابی و واجب.

اگر ما باشیم و ظاهر این حدیث روشن شد؟ یعنی یک: باید حدث باشد، حیض حدث است، دو: این غسل رافع حدث است طهارت است رافع حدث است و روز جمعه داخل شدن که حدث نیست اصلاً، آن که اصلاً حدث نیست لذا غسل جمعه مستحبی است به این جهت اصلاً خودش عنوان مستحب است چون رافع حدث نیست، ای وضوء اطهر من الغسل نمی گیرد این را اصلاً چون اینجا طهارتی مطرح نیست.

لذا فتوای اصحاب بر این است حالا اصحاب ما خدا رحمت کند آقای خوئی یک مطلبی فرمودند معاصرین ما دنبال ایشان افتادند

کسی که خوب تأمل بکند واضح است که اصلاً کاد ان یکون واضح البطلان به قول معروف برای احترام استاد به این ...

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين